

بِسْمِ تَعَالَى



عزت و رحمت

مروری بر بیانات نمایده مقام معظم رهبری

در موضوع عزت و آزادگی

دفتر آموزش و تولید محتوا

مهر ۱۳۹۸

مفهوم عزت و راه رسیدن به آن

انسان طالب عزت است؛ چون فطرت او خدایی است و عزیز از صفات خداوند متعال است. عزت چیست و کجا است؟ این محوری است که باید مورد بررسی دقیق قرار گیرد. انسان بر اساس فطرتش قوت طلب است و می خواهد قوی باشد. این اقتضا همان اقتضای فطری است. نیروی انسان در دارایی است. انسان طالب دارایی است. اما چگونه دارا می شود؟ آیا با داشتن مال فراوان یا با چیزهای دیگر دارا می شود؟ پاسخ این سؤال را با حدیثی نورانی از پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله) برای شما بیان می کنم که در کتاب شریف «تحف العقول» در قسمت وصیت های پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله) ذکر شده است. حضرت فرمودند: «مَنْ أَحَبَّ أَنْ يَكُونَ أَعَزَّ النَّاسِ فَلْيَتَّقِ اللَّهَ؛ هر کس می خواهد عزیزترین مردم باشد، باید تقوای الهی پیشه کند».

تقوا یعنی انسان خود را بر مدار بندگی و رضای الهی حفظ کند. کسی که تقوا پیشه کند، به برکت تقوا و رعایت حریم الهی، نسبت ویژه ای با خدای متعال پیدا می کند که کانون حقیقی عزت است.

در قرآن کریم آمده: «إِنَّ أَكْرَمَكُمْ عِنْدَ اللَّهِ أَتْقَاكُمْ؛ در حقیقت ارجمندترین شما نزد خدا پرهیزگارترین شما است». گرامی ترین، عزیزترین و آبرومندترین شما کسی است که این ارتباط را با خدای متعال پیدا کند. انسان با تقوا در پرتو تقوا دارای شخصیت و آبرو و کرامت بسیار زیادی می شود. در بحث های روان شناسی این مسئله را مورد توجه قرار داده اند؛ چون یکی از نیازهای حقیقی و مهم انسان، عزت خواه بودن است. راه تأمین عزت چیست؟ روان شناسان راه هایی پیشنهاد می کنند که بعضی از این راه ها، بسیار سطحی و برخی حتی فریب دادن دیگران است تا انسان بتواند جایگاهی برای خود درست کند.

چون در روان‌شناسی نگاه ارزشی وجود ندارد، فقط به اجمال می‌خواهند این مسئله تأمین شود. البته برخی از مطالبشان قابل استفاده است.

ارتباط با عزیز مطلق، عزت حقیقی

اما عزت حقیقی چیست و کجا است؟ چه وقت انسان به معنای واقعی کلمه احساس تشخیص می‌کند؟ وقتی با عزیز مطلق ارتباط ویژه پیدا کند. آنچه باعث ایجاد این ارتباط می‌شود، تقواست. در برخی روایات آمده است: «کسی که به مقام خوف الهی نایل می‌آید، خدای متعال تمام آفرینش را نسبت به او خائف قرار می‌دهد».

امام خمینی، متصل به کانون حقیقی عزت

امام راحل عظیم‌الشأن که در دوره‌ی ما زندگی کرده است، مگر قدرت اتمی داشت یا امکانات اقتصادی دنیا در اختیار او بود؟ مگر نیروهای کارشناسی مدیریت خوانده‌ی ممتاز در اختیارش بود؟ این چیزها در دست امام نبود، اما به کانون حقیقی عزت وصل بود. لذا کسانی که خود را کانون قدرت جهان می‌دانستند، از او حساب می‌بردند. مطالعه کنید و ببینید نسبت به امام عزیز چه ماجراهایی داشتند و چطور روی کلمات و تعبیر این بزرگوار حساب باز می‌کردند. امام فرموده بودند: «آمریکا هیچ غلطی نمی‌تواند بکند». آنها این یک جمله را به دست صدها کارشناس دادند که ببینند وقتی ایشان این سخن را می‌گویند، چهره‌اش چطور می‌شود؛ هیچانی است یا دارد شعار می‌دهد یا هیچ‌کدام؟ به این نتیجه رسیدند که چهره‌ی ایشان عادی است.

خدای متعال به امام آبرو و عزت داد. حساب ویژه‌ای که روی ایشان باز می‌کردند، به خاطر رابطه‌ی ایشان با خدای متعال و عزت و تقوای ایشان بود.

راه رسیدن به عزت حقیقی تقوا است. البته استاد بزرگوار ما رهبر عزیز انقلاب نکته‌ای فرمودند: «هرکسی عزت داشت، معنایش این نیست که حتماً متقی است». بسیاری افراد ممکن است در این دنیا به عزت برسند، اما هرگز حکایت از تقوای آنها نمی‌کند. راه‌های گوناگونی برای دستیابی به عزت هست، ولی راه رسیدن به عزت حقیقی، تقوا است.

عزت و رحمت، دو بعد شخصیت مؤمن

کار پیش روی نسل جوان عزیز ما، خیلی جدی، متنوع و گسترده است. در این میان آنچه مهم است، عزت ما است که ۱۳ آبان، یک روز پیام‌آور و الهام‌بخش و عزت‌آفرین است. همان‌جا که فرمود: «أَذِلَّةٌ عَلَى الْمُؤْمِنِينَ أَعِزَّةٌ عَلَى الْكَافِرِينَ؛ با مؤمنان فروتن [و] بر کافران سرفرازند».

این قسمت آیه، بسیار خوش‌ساخت و هیجان‌انگیز و پیش‌برنده است. سیمای انسان مؤمن در دو جلوه‌ی رحمت و عزت دیده می‌شود. خدای متعال خود را با عنوان «عزیز و رحیم» معرفی می‌کند و مؤمن و جامعه‌ی مؤمنان هم از این دو نام خداوند بهره‌مند است. هم «أَذِلَّةٌ عَلَى الْمُؤْمِنِينَ؛ با مؤمنان فروتن» و هم «رُحَمَاءُ بَيْنَهُمْ؛ با همدیگر مهربانند» به همین مسئله اشاره دارد. مؤمن مهربان، صمیمی، متواضع، خدمت‌گزار، مهرورز و فروتن است و در ارتباط با سایر مؤمنین و دیگر انسان‌ها - از آن جهت که بنده‌ی خدا هستند - همین‌گونه رفتار می‌کند.

اما در مواجهه با طاغوت، استکبار، کفر و نفاق که نقطه‌ی مقابل ایمان است، و حاکمیت و قدرت و امکانات دارند و سعی می‌کنند با سوءاستفاده از آنچه دارند، به دیگران فخر بفروشند و ستم روا دارند و آنان را از راه خدا منحرف سازند و بر سر راه خوشبختی آنان مانع ایجاد کنند، مظهر نام عزت خداوند است.

مبانی عزت

یکی از شاخص‌ها در آیه‌ی سال، عزت است: «أَعِزَّةٌ عَلَى الْكَافِرِينَ؛ بر کافران سرفرازند». مبانی این عزت، در جوانی و نوجوانی ساخته می‌شود. انسان عزیز کسی است که از نظر ریخت‌شناسی شخصیتی، قواره‌ی شخصیتی‌اش متصف به عزت باشد. مؤمن به نصّ قرآن کریم عزیز است و خداوند عزت را برای او خواسته است. آحاد مؤمنان که در کنار هم قرار می‌گیرند و جمعی مؤمنانه را تشکیل می‌دهند نیز موصوف به عزت است. جامعه‌ی بزرگ مؤمنان هم باید موصوف به عزت باشد.

این عزت که عزت اسلام در برابر جریان کفر و نفاق است، عبارت است از: سعادت و شکوه و هیبت و استواری و دست‌برتر. «أَعِزَّةٌ عَلَى الْكَافِرِينَ»؛ یعنی باید بر کفار غلبه و اشراف داشته باشید و این، خواست خدای متعال است.

مقدمه و نقطه‌ی اصلی شکل‌گیری این عزت و شکوه و سربلندی و غلبه‌ی امت اسلامی در برابر کفار، تأمین عزت در آحاد مؤمنان است و این نمی‌شود، مگر در جوانی که دوران شکل‌گیری شخصیت است. اینجا رازها و مطالبی نهفته است که در جای خود باید بحث شود.

مبانی عزت را در شخصیت خود فراهم آورید. بهترین زمان برای این کار، دوران جوانی و عنفوان شباب است که شما در آن قرار دارید. این دوران، دوران خودسازی شما است؛ چراکه ذهن و روان و جان آماده‌ای دارید و محیط گفتمانی هم برای شما مهیا است. به این ترتیب حجت بر شما تمام شده است. محسن حججی، نمادی از اتمام حجت با نسل جدید شد و سلسله‌ی شهدای عزیز مدافع حرم، حجت‌های خداوند برای نسل جدید شدند. در چنین وضعیتی باید در چرخه‌ی خودسازی، مبانی عزت را در شخصیت خود فراهم آورید.

خدای متعال، مؤمن عزیز را دوست دارد. اگر مبانی عزت تأمین شود، شخص عزیز خواهد شد. فرصت فعالیت در انجمن اسلامی و کنار سایر بچه‌ها قرار گرفتن و تلاش برای خودسازی، از جمله فرصت‌های کسب مبانی عزت است.

مقدمه اصلی عزت

مقدمه‌ی اصلی عزت، اطاعت از خدای تعالی است. کسی که می‌خواهد به عزت حقیقی برسد، باید مطیع عزیز مطلق باشد. این همان چیزی است که آن را تقوا می‌نامیم.

ویژگی‌های تأمین‌کننده‌ی عزت

برخی ویژگی‌ها ما را در دستیابی به عزت کمک می‌کنند که عبارتند از:

۱. بر اساس روایات «کظم الغیظ» و «بردباری»، موجب عزت می‌شود. اگر کسی بتواند خشم خود را پشت سدّ عقلش مهار سازد و آن را به‌وقتش آزاد کند، یکی از مبانی عزت را به دست آورده است.

۲. «استقامت» یکی دیگر از آن ویژگی‌ها است.

۳. «صبر» دیگر ویژگی تأمین‌کننده‌ی عزت است که البته با استقامت تفاوت دارد. «استقامت»، تکیه بر ظرفیت‌های درونی برای غلبه بر موانع است. آنجا که شما چهره‌به‌چهره‌ی موانع می‌ایستید و آنها را مدیریت می‌کنید، صبر کرده‌اید.

۴. یکی دیگر از ویژگی‌های تأمین‌کننده‌ی مبانی عزت، «زهّد» است. چشم و امید زاهد به خدای متعال است و از جیب و امکانات خلق ناامید.

۵. «قناعت» از کلیدواژه‌های دیگر تأمین‌کننده‌ی مبانی عزت است. رمز حیات طیبه نیز قناعت است.

۶. این موارد، به اضافه‌ی اتصال قلبی و فکری و روحی و عملی با قطب عالم امکان که مظهر و نمایندگی عزت مطلق پروردگار متعال است، مبانی عزت را تشکیل می‌دهند.

تربیت مبتنی بر عزت

وقتی از «أَعِزَّةٌ عَلَى الْكَافِرِينَ» سخن می‌گوییم، باید مبانی، مقدمات و پیش‌نیازهایش را فراهم آوریم. یکی از مقدمات این است که در جامعه‌ی مؤمنان، چرخه‌ی تربیتی مبتنی بر عزت باشد. البته عفت و غیرت و صفاتی از این قبیل نیز در این چرخه‌ی مقدماتی تعریف می‌شود.

شما باید روی عزم و اراده‌ی خود خیلی کار کنید و قوت عزم و اراده داشته باشید. اراده‌ی مؤمن می‌تواند به جایی برسد که هیچ مانعی نتواند در برابر آن بایستد.

حفاظت از عزت

مسئله‌ی کلیدی این است که انسان مؤمن باید عزت، شخصیت و آبرویش را حفاظت کند از هر کار و اقدامی که دست یازیدن به آن سبب کاهش شخصیت انسان شود و کاهنده و مغایر کرامت است. این کاهش، کاهش عرفی یا کاهش شرعی است. البته کاهش عرفی هم خیلی وقت‌ها جنبه‌ی شرعی پیدا می‌کند. مثلاً بعضی از کارها را اگر در حضور دیگران انجام دهیم، جمع آن را نمی‌پسندد و یک نوع ضربه‌ی شخصیتی برای ما محسوب می‌شود. نمونه‌هایی است که به صورت مستقیم در شرع انور پرهیز داده شده است؛ منتها نه پرهیزی که در حدّ حرام باشد، بلکه برای شما پسندیده نیست. یعنی انسان دچار لطمه‌ی شخصیتی و حیثیتی نزد مردمان و بالاتر، نزد خدای متعال و اولیائش می‌شود.

ارکان عزت در بعد اجتماعی

۱. روحیه عزت خواهی

کلمه‌ی «علی» در «أَعِزَّةٌ عَلَى الْكَافِرِينَ» خیلی جالب است؛ یعنی جامعه‌ی مؤمنان و فرد مؤمن در برابر جامعه‌ی کفار و آحاد کافران، دست بالا را دارد و مؤمن باید فرازمند، نفوذ ناپذیر، باصلابت، باشکوه و قدرتمند باشد. برای آنکه عزیز باشد، در درجه‌ی اول، باید زیر چکمه‌ی دستگاه کفر و استکبار له نشود و خود را حفظ کند. وقتی حفظ شد، کار بزرگ خود، یعنی تأمین دنیا و آخرت و خوشبختی خود و سایر انسان‌ها را انجام می‌دهد، مظلومان و مستضعفان را حفظ خواهد کرد، شخصیت آنان را کرامت و عزت خواهد بخشید و نفس جریان کفر را به شماره خواهد انداخت.

اما اگر مؤمن و جامعه‌ی مؤمنان، دست پایین و زیردست و خفیف و ناتوان باشند، نمی‌توانند خود و کرامت و شخصیت خویش را حفظ کنند، تا چه رسد که شخصیت دیگران را حفظ کنند و جلوی اعمال حاکمیت کفار را بگیرند. لذا خداوند متعال فرمان به عزت داده است.

این عزت با حرف و شعار به دست نمی‌آید. جبهه‌ی کفر روز و شب ندارد تا بتواند جبهه‌ی مؤمنان را بشکند و آن را تصرف کند. در برابر چنین جریانی شما باید مبانی عزت را استوار و فراهم سازید. این خواست خدای متعال است؛ چراکه فرموده است: «لَنْ يَجْعَلَ اللَّهُ لِلْكَافِرِينَ عَلَى الْمُؤْمِنِينَ سَبِيلًا»* خداوند هرگز بر [زبان] مؤمنان برای کافران راه [تسلطی] قرار نداده است». خدا نمی‌خواهد و نمی‌پذیرد که کفار، بر مؤمنان راه تسلطی پیدا کنند.

*. نساء: ۱۴۱.

اما سدّ همه‌ی راه‌های تسلط کفر چگونه ممکن است؟! با خودسازی همه‌جانبه. در درجه‌ی اول باید جبهه‌ی مؤمنان، از نظر فرهنگی مبانی عزت را داشته باشد، از نظر اخلاقی و تربیتی به دنبال عزت باشد، و از جهت روحی، دارای روحیه‌ی عزت‌خواهی و عزت‌جویی و کرامت‌طلبی باشد. خدای متعال برای آحاد مؤمنین نیز همین را خواسته است. مؤمن باید شجاع، قوی، نترس، اهل مجاهدت، رویارویی، درگیر شدن و میدان رفتن باشد. باید هر چیزی را که کمک می‌کند نسبت به جریان کفر، دست بالا باشند، فراهم آورد.

۲. حاکمیت سیاسی

اولین عامل زمینه‌ساز عزت، قدرت سیاسی است که فقط با داشتن حکومت فراهم می‌شود. مؤمنان پراکنده و متشتت مانند گوسفندانی هستند که گرگ استکبار آنها را پاره‌پاره خواهد کرد. اصلی‌ترین مبنای عزت برای مؤمنین از نظر سیاسی، داشتن حکومت، حاکمیت، سرزمین، نظام و سازمان‌دهی اجتماعی است.

شما به لطف خدای متعال اینها را الان تجربه می‌کنید. زمانی بود که استکبار در دنیا یکه‌تازی می‌کرد و هیچ‌کس نمی‌توانست در مقابل او بایستد. مؤمنان، پراکنده و این سو و آن سو متفرق بودند و اگر در جامعه‌ای هم اکثریت داشتند، زیر بیرق یک طاغوت بودند که دست در دست استکبار داشت؛ نظیر جامعه‌ی خودمان در زمان ستمشاهی. بدون حاکمیت نمی‌توان در مقابل دستگاه کفر ایستاد. عدم حاکمیت اسلامی به تسلط کفر و استکبار منجر می‌شود و در این صورت، منابع و ثروت و نیروی انسانی در خدمت طاغوت خواهد بود.

۳. دانش

بعد از جهات فرهنگی و اعتقادی و ایمانی، برای تأمین بنیان‌های عزت، برخورداری از حاکمیت، قدرت سیاسی، امام حق و نظام الهی ضروری است.

اما آیا این کافی است؟! کافی نیست. جامعه باید از نظر بنیه‌ی علمی، خود را توانمند سازد. خداوند عزت و سلطان را در دانش قرار داده است. مؤمنان باید از نظر علمی خودسازی کنند تا بتوانند روی بنیان‌های علمی، عزت خود را استوار سازند؛ چنان‌که جبهه‌ی کفر همین کار را می‌کند. آنها بسیاری از ظلم و ستم‌های خود را به واسطه‌ی بهره‌شان از دانش پیش می‌برند. از علم، قدرت و سلطان فراهم می‌شود؛ چه در بخش اقتصاد و چه در بخش نظامی.

از جوانان عزیزمان توقع است که کار علمی کنند تا بتوانید با برافراشتن پرچم علم و دانش، استعدادهای عظیمی که خدای متعال به شما داده، کشف کنید، خودتان را باور کنید، از نظر علمی خودتان را بسازید. ملتی که از نظر علمی عقب افتاده باشد نمی‌تواند در این عالم، سر عزت، بلند کند. باید به لحاظ علمی خودمان را بسازیم. به لحاظ اقتصادی آینده کشور را بسازیم. باید منابع عظیم خدادادی را در این کشور بشناسیم تا یک کشور آباد، سرافراز و سربلند که نمادهای عزت و افتخار در سیمای او در تجلی باشد، بسازیم. ما وقتی می‌توانیم در دنیا سر عزت بلند کنیم که آقا بفرمایند، یعنی رهبر بگویند. همه ما وارد میدان شویم و در این مسیر سعی کنیم، در شکوفائی استعدادهای، بهره‌وری از فرصت‌ها و انجام وظایفی که به عهده ما است.

۴. اقتصاد

یکی دیگر از ارکان عزت، برخورداری از اقتصاد قوی است. خدای تعالی برای فرد مؤمن و خانواده‌ی مؤمن و جامعه‌ی مؤمن، عزت خواسته است: «لِلَّهِ الْعِزَّةُ وَلِرَسُولِهِ وَلِلْمُؤْمِنِينَ»

عزت مخصوص خدا و پیامبرش و مؤمنان است.» عزت با فقر و ناداری جمع نمی‌شود. خدای متعال، مؤمن را در همه‌ی جلوه‌های زندگی‌اش در اوج عزت می‌خواهد و یکی از ارکان ضروری عزت، بهره‌مندی از اقتصاد متناسب و مولد و جوشان و رزق فراخ و طیّب و طاهر است. اراده‌ی تشریعی و تکوینی حضرت حق بر این است. اگر دیدیم اشکالی وجود دارد، ما خودمان را یا تکویناً یا تشریحاً محروم کرده‌ایم؛ وگرنه خدای تبارک و تعالی اسباب زندگی شیرین و همراه با عزت را فراهم آورده و چیزی کم نگذاشته و در طبیعت و استعداد و نظام اقتصادی پر برکت، همه چیز را فراهم آورده است. هر دشواری و تنگنا و نکبت و ذلت در این عرصه، حاصل دو نکته است: یا ما با قواعد تکوین هماهنگ نبوده‌ایم یا به قواعد تشریح که نقشه‌ی حیات طیبه است، عمل نکرده‌ایم. یکی از جلوه‌های اصلی حیات طیبه، «سَعَةُ الْأَرْزَاقِ» است که تأمین‌کننده‌ی نیازها و ضرورت‌های زندگی مؤمن است تا او به امور دینی و آخرتی و علمی خود برسد.

۵. قدرت دفاعی

یکی دیگر از ارکان عزت، داشتن قدرت دفاعی و بلکه تهاجمی شایسته است. قرآن به ما چنین دستور می‌دهد: «وَأَعِدُّوا لَهُمْ مَا اسْتَطَعْتُمْ مِنْ قُوَّةٍ وَمِنْ رِبَاطِ الْخَيْلِ؛^۱ و هر چه در توان دارید، از نیرو و اسب‌های آماده، بسیج کنید». بر این اساس، هر چیزی که ما را در برابر دشمن قوی می‌کند، باید برای خود فراهم آوریم.

مواردی که برشمردیم، مبانی عزت است که هم در روحیه و نوع نگاه ما باید شکل گیرد و هم به داشتن حاکمیت، خودسازی علمی، اقتصاد قوی و مقاوم و قدرت نظامی برمی‌گردد. وقتی این موارد فراهم شد، جامعه‌ی مؤمن، عزیز می‌شود و می‌تواند در مقابل جریان کفر، مثل صخره‌ای استوار بایستد و مقاومت کند و قد خم نکند. سایر انسان‌های

^۱. انفال: ۶۰.

مظلوم و مستضعف می‌توانند زیر سایه‌ی چنین قدرت ایمانی، به امنیت و آرامش برسند و این جریان می‌تواند کفر و استکبار را به چالش بکشد و حذف کند.

سال‌ها قبل، دوستان شما همایش‌هایی نظیر «جهان بدون آمریکا» و «جهان بدون صهیونیسم» را در سطح ملی برگزار کردند. این آرمان ما است که روزی بشریت نجات پیدا کرده و آن روز، روز ظهور عزت تام و تمام مسلمانان است که با ظهور امام عصر (عجل الله تعالی فرجه الشریف) محقق می‌شود. ان شاءالله آن روز با حضور انسان‌های مؤمن نزدیک شود و موانع خوشبختی بشر برطرف گردد. این، امید و آرزو و هدف نهایی ما است.

تحقق عزت ایران در پرتو جمهوری اسلامی

امروز بخش عمده‌ای از مبانی عزت ما فراهم شده و شما در روزهایی نفس می‌کشید که روزهای بسیار خوبی است. اگر کسی حقیقتاً طعم ایمان را چشیده باشد، نمی‌تواند حتی شکر یک لحظه‌ی زندگی در چنین جامعه‌ای را به‌جا آورد. شما بحمدالله در جامعه‌ای زندگی می‌کنید که مبانی عزت آن در حال شکل گرفتن است و از نظر سیاسی، قدم اول برداشته شده و از نظر ایمانی، بنیه آن تا حدی فراهم گشته است.

این جامعه در حال تهیه‌ی بخش‌های تکمیلی مبانی عزت خویش است که عبارت است از تقویت اقتصاد و بنیه‌ی دفاعی. همه‌ی اینها در سایه‌ی حاکمیت الهی و حضور امام و اطاعت امت فراهم آمده است.

امروزه تکلیف ما روشن است. هر کس بتواند کاری کند که بنیان‌های عزت تقویت شود، بزرگ‌ترین خدمت را به خود و جامعه‌ی خویش و آرمان‌های بشری و الهی کرده است.

امیدوارم تک تک شما و انجمن‌هایتان با خودسازی فکری و معنوی و روحیه‌ی جهادی و حماسی، پرچم‌دار عزت در مقابل کفار و ترویج‌دهنده‌ی روحیه‌ی انقلابی در مدرسه‌ی خود باشید. ان شاء الله آحاد شما در جستجوی مبانی عزت در بخش‌های مختلف سیاسی، علمی، اقتصادی و نظامی باشید.

امروز، مستضعفان دنیا می‌خواهند هر طور شده خود را زیر سایه‌ی عزت ملت ایران بیاورند. خوشحال هستیم که شما را در چنین روزی می‌بینیم.

تلاش منافقان برای از بین بردن عزت ایران

همان‌طور که آقا فرموده‌اند، در جامعه‌ی ما دست‌هایی هست که می‌خواهد خطرهای راهبردی را در جامعه‌ی ما ترویج کند. بیداری جوانان ما می‌تواند این خطرها را برطرف سازد. این اندیشه‌ها محصول ذلت و کوتاه آمدن در مقابل نظام سلطه و اعتماد به آنها است. بهانه‌ی این عده آن است که به تعبیر حضرت آقا، می‌خواهند مشکلات خود را با دوستی با غرب برطرف کنند. اینها خیال‌های خامی است که برخی در جامعه‌ی ما به آن مبتلا هستند.

معرفت، بصیرت و حضور شما می‌تواند بر این خیال‌های خام و باطل، مهر بطلان بزند و ۱۳ آبان فرصت خوبی برای چنین ارائه‌هایی در نسل جوان ما است. باید خودمان با دست خودمان بنیان‌های عزت را فراهم کنیم. آیه‌ی سال گذشته‌ی نیز به همین موضوع اشاره دارد. آیه‌ی سال قبل این بود: «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا عَلَيكُمْ أَنْفُسُكُمْ؛ ای کسانی که ایمان آورده‌اید! مراقب خود باشید». اگر شما خودتان را ساختید، آمریکا و دستگاه استکبار

نمی‌توانند به شما ضرری برسانند. اما اگر کوتاهی و غفلت کنید و مدیریت جامعه را به دست انسان‌های ضعیف و ذلیل بسپارید، کار شما خراب می‌شود.

مجلس و دولت شما باید عزیز و عزت‌خواه باشند و مسئولان بلندپایه هم باید همین روحیه را داشته باشند. متأسفانه گاهی از برخی جاها صداهایی بلند می‌شود که با عزت ما هماهنگی ندارد.

عزت، میراث گرانبها

نسل امروز ما وارث این شکوه و افتخار و عزت است که خیلی سخت و گران به دست آمد. یعنی همه زحمات بزرگان ما در تاریخ اسلام، همه خوبان، نیکان، ابرار، صلحا، شهدا، غربت‌ها، در به دری‌ها، رنج‌ها، دردها، مصیبت‌ها، همه اینها را باید دید. مبانی عزت امروز ما رنج‌هایی است که آنها کشیدند و صبوری کردند و بر خودشان هموار کردند و مقاومت کردند.

نقش ممتاز جوانان در دوران عزت

در آفرینش این دوران عزت، نسل جوان ما نقش فوق‌العاده ممتازی دارد، در بین نسل جوان، دانش‌آموزان ما نقش‌شان یک نقش فوق‌العاده حساس و کلیدی است. شاید این جمله را بشود گفت که جزو پیش‌قراولان انقلاب اسلامی دانش‌آموزان بودند، دانش‌آموزان نقش‌شان نقش حاشیه‌ای و کناره‌ای نبود، در متن بود، در متن تحول حضور داشتند؛ مخصوصاً از وقتی که دبیرستانی‌های ما به میدان آمدند فضا عوض شد. این را همه می‌دانند، شما بروید در تاریخ تمام شهرها مطالعه کنید، من از اکثر جاها پرسیدم، همه همین را می‌گویند که وقتی دبیرستانی‌ها آمدند به میدان، کار عوض شد. سرعت

و شور جریان انقلاب تغییر کرد. البته ما هم جزو دبیرستانی های آن روزگار هستیم. سال ۵۷ ما اول دبیرستان بودیم.

چشم امید به دبیرستانی ها

این عزت آفریده شد، این عزت حفاظت و تقویت شد، کارهای اخیری را هم که انجام دادند همینطور است، در حرکت های علمی، در کارهای بعدی ای که انجام شد، و امروز هم چشم امید به دبیرستانی هاست، البته ما می گوئیم جامعه دانش آموزی، ولی وقتی می گوئیم دبیرستانی، نکته داریم و تأکید داریم؛ یعنی امروز هم برای اعتلای کشور، برای تحقق آرمان ها و آرزوهای کشور، باز هم چشم امید به جامعه دانش آموزی، مخصوصاً به دبیرستانی هاست که در مقطع تصمیم های بزرگ اند، چون سن دبیرستان یعنی سن تصمیمات اساسی و کلیدی و بزرگ زندگی. دانش آموزان در آن روزها در قالب انجمن های اسلامی سازمان دهی شدند، جبهه را یاری کردند، مدرسه را فعال کردند، سنگر انقلاب را در مدرسه فعال کردند.